

AMBER ALERT

Amber Alert

Aoi
Sekai

Uploader

Thora

Translator

Ara

Editor

Thora & Hani

Director

Medusa

ارائه شده توسط تیم ترجمه و ادیت آنوبی سکای.



آمیر دِکسلی ام،
اسم دیگه ام رایکره.



برای همین
صدا کردم جواب
ندادی.

پیامی
که بهت دادم رو
ندیدی؟

این اولین بار
بود که توی چت پیشنهاد
"فراترنیتی" دادیم.

می خواستم
حضوری در موردش حرف
بزنیم، ولی تو خیلی زود
ناپدید شدی...



فراترنیتی؛ باشگاه اجتماعی
پسرونه تو دانشگاه های آمریکاست.

ببخشید، گوشیم
رو نیاوردم. نمی تونم پیام هام
رو چک کنم.







ٲماس مآارچی؟

یعنی...

یعنی...



الو؟

!!

بین داری پیکار می کنی،
بدون وارد شدن به فراتر زیتی،
چطور می خواهی زندگی کنی!!



الو؟
آقای دکسلی؟

من رایکر،
آمبر دکسلی ام.



شما عضو خانواده ی
آقای ایزایا کلایتون
هستین؟

لعنتی، مزاحم
تلفنی بود.

بله، خودمم...

امروز توی
کلاس شنیدم،

می‌گن یه چیزی
به اسم شهوده.

مگه نه؟



شاید بعضی وقت‌ها مغز
نتونه بفهمه، اما باید به
حس ششمت اعتماد کنی.



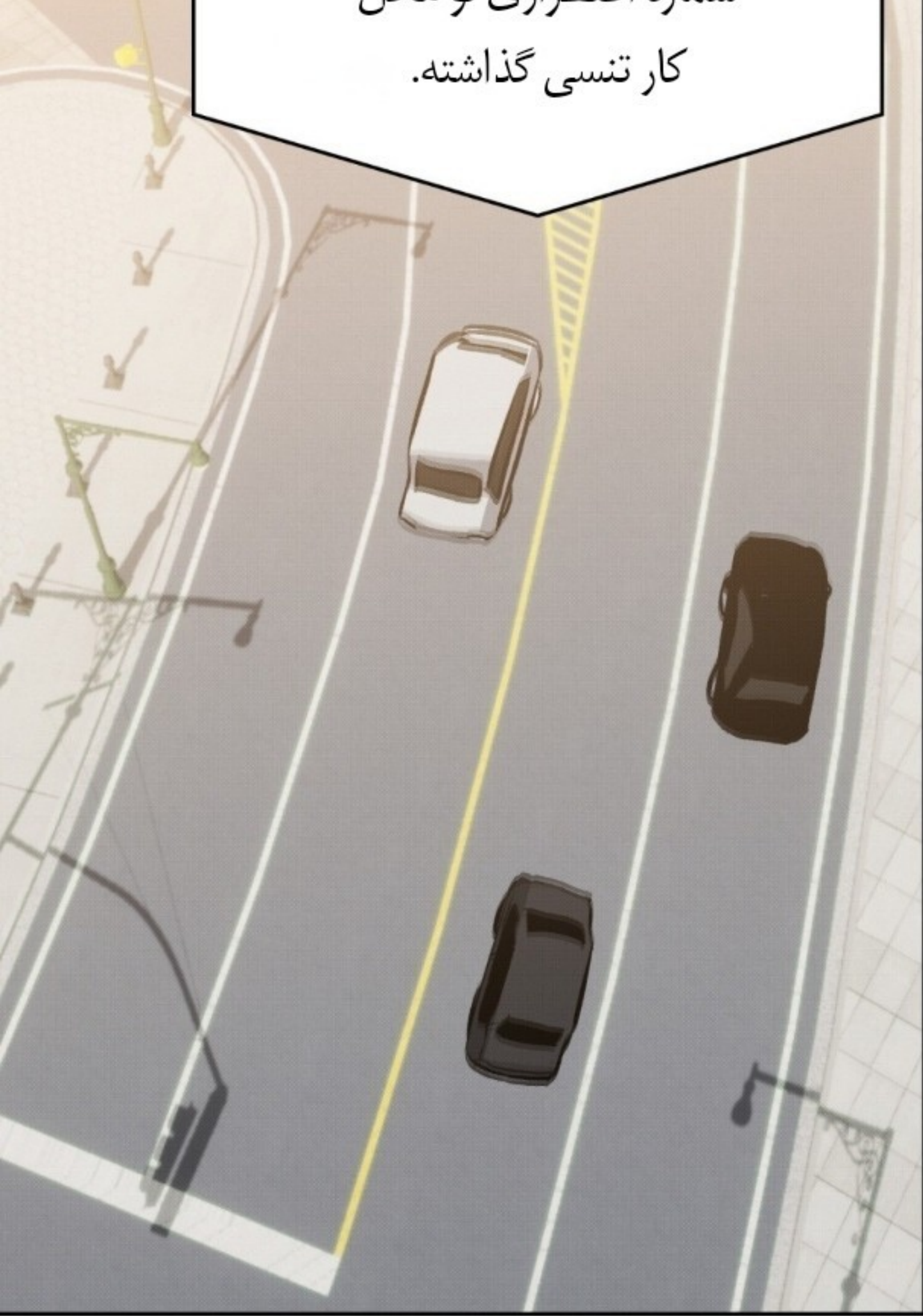
لطفا،



تنسی.

الان تو
بیمارستان بستریه.

آقای کلایتون شماره
تماس و اسم شما رو به عنوان
شماره اضطراری تو محل
کار تنسی گذاشته.



کجا...
کجاست؟

ميام اونجا،
همين الان.



شماره بیمارستان
رو بهتون می‌دم.

حالش خیلی
بده؟ مشکش چیه؟



به‌خاطر مسائل امنیتی
نمی‌تونم خیلی دقیق بگم،
اما...

موقع نجات یه
محافظ تصادف می کنه.



هنوز زوده که
خیالمون راحت باشه،
فعلا باید وضعیتشون رو
زیر نظر بگیریم...



ولی می خوام بگم
واقعاً خوش شانس
بودین.





امكان نداره...

تنسی.

چرا
محافظ شدی؟



به خاطر
گذشته‌ست؟

چون دلت
می‌خواست یه کار متفاوت
انجام بدی؟



پشیمونی،
همین رو می‌خوای
بگی؟



این کار به خاطر
پشیمونیم نیست.

فکر این که با یه کار
خوب می تونی بخشیده بشی و
به یه آدم خوب تبدیل بشی،
یه جورایی فرار از مسئولیت
و نامردیه.

به جای
پشیمونی،

فقط دلم یه
کار راحت تر مثل این
می خواست.

.....

خوابت
میاد؟ بریم تو؟

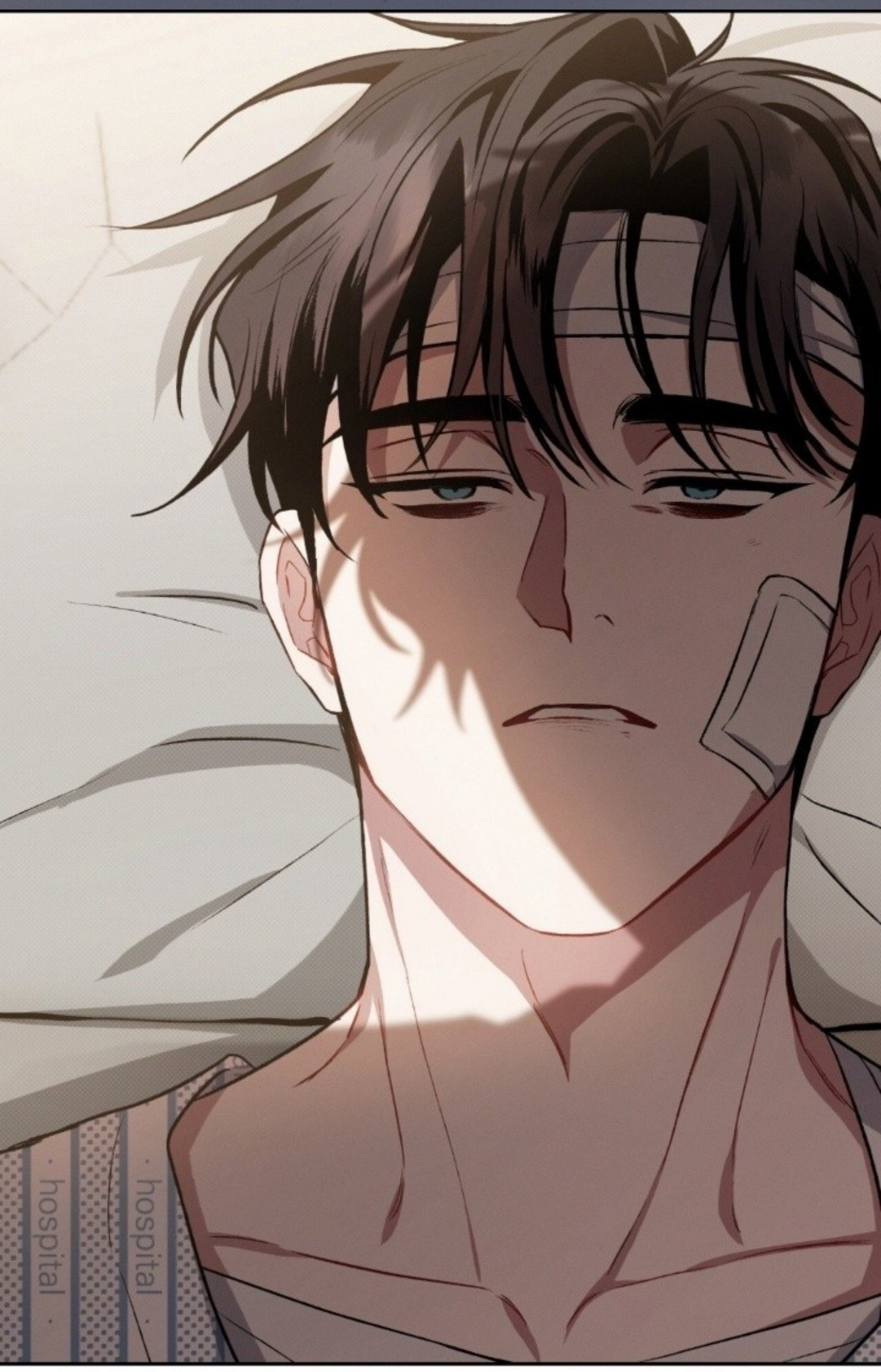


حرف هاش صادقانه ولی
مثل گوشت بی استخون،
بی جون بود.

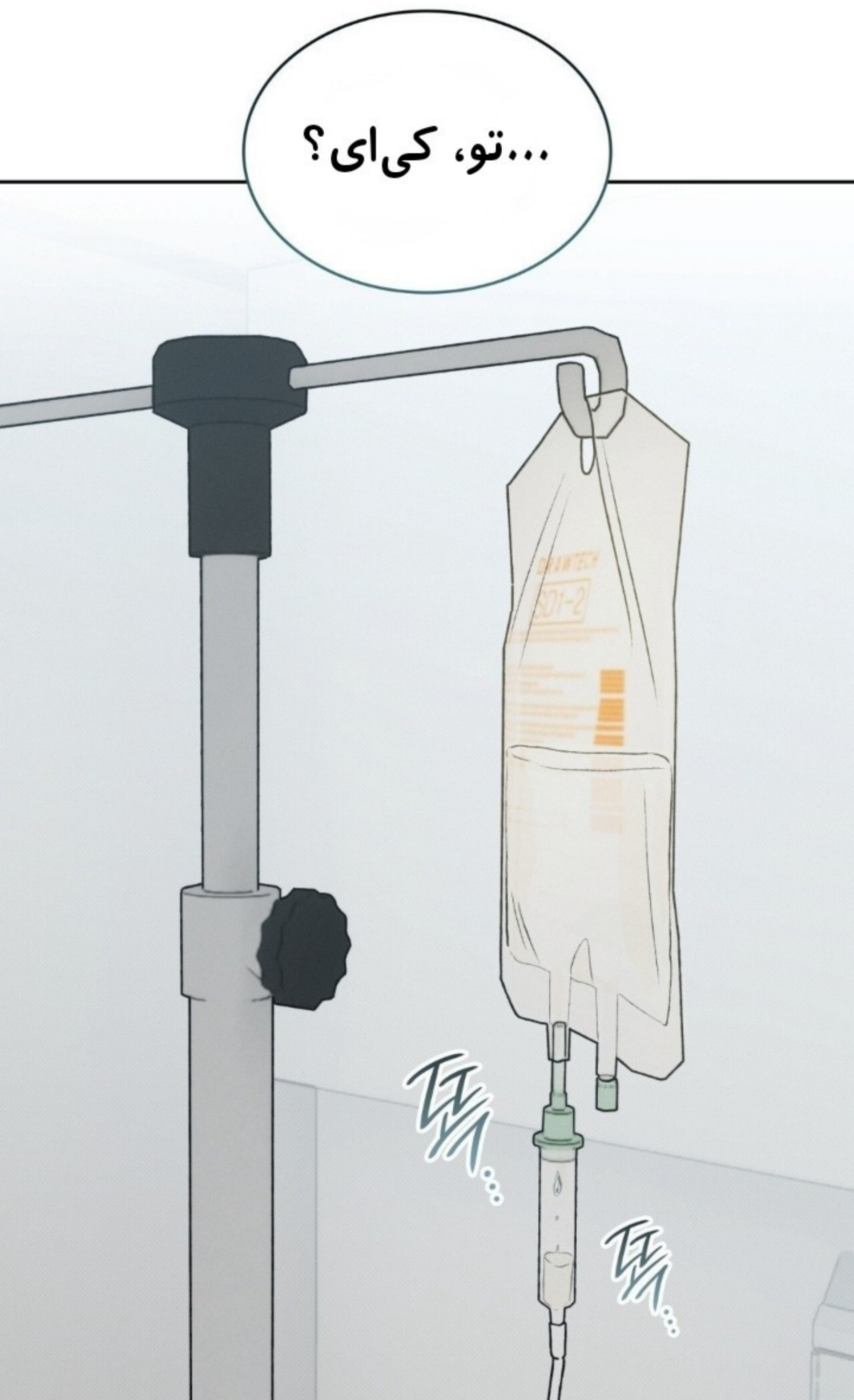


عجیب نیست؟

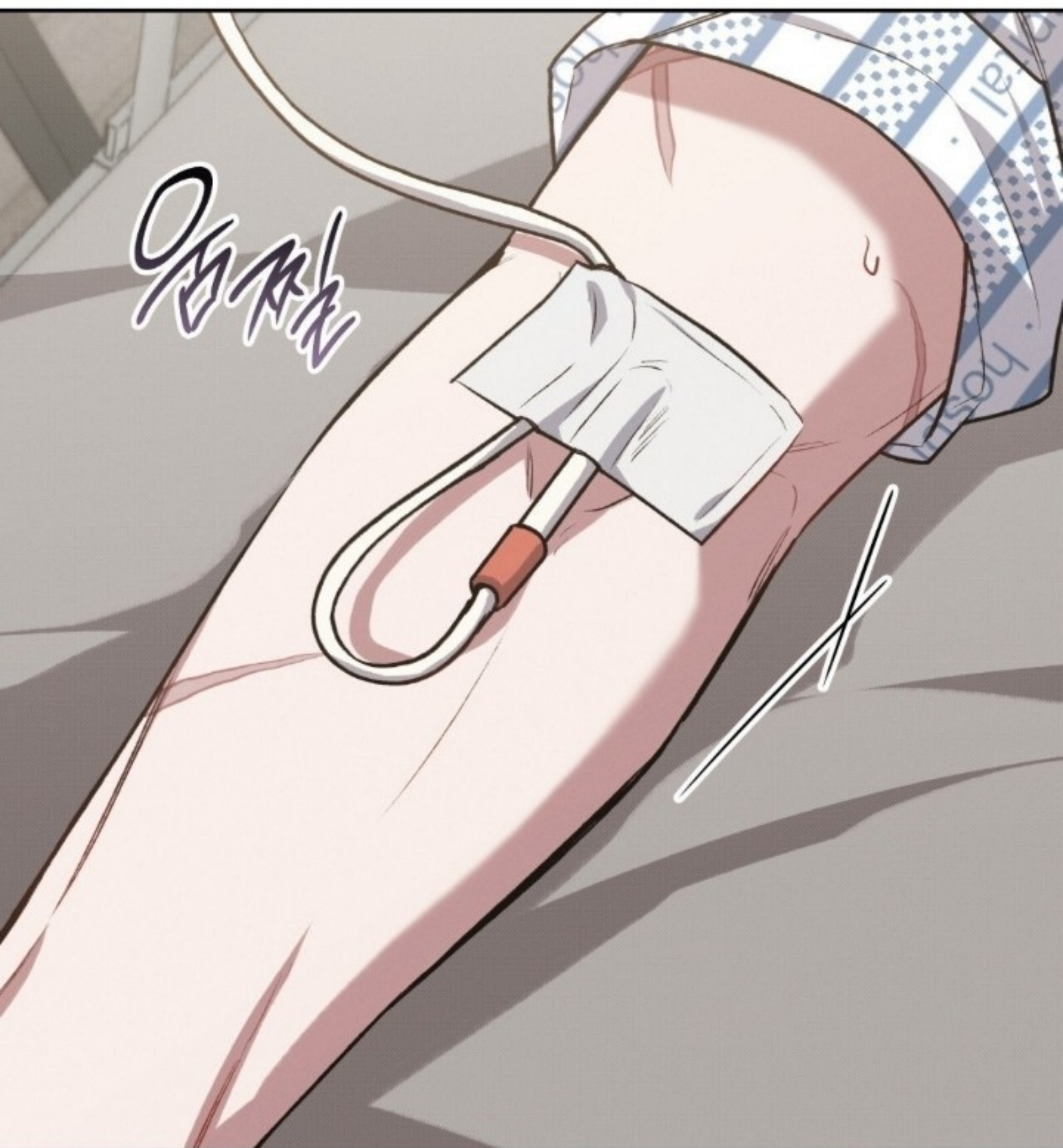
این، همه‌ی اون
چیزیه که می‌تونم
بهش بگم.











گفتی
آمبری؟

آره.

ثابت کن.

.....?



اوممم...

گفته بودی هر وقت
به سن قانونی رسیدم،
باهام قرار می‌داری.



تنسی! به
فروت فشار نیار...!

فقط به
شونی بولا...

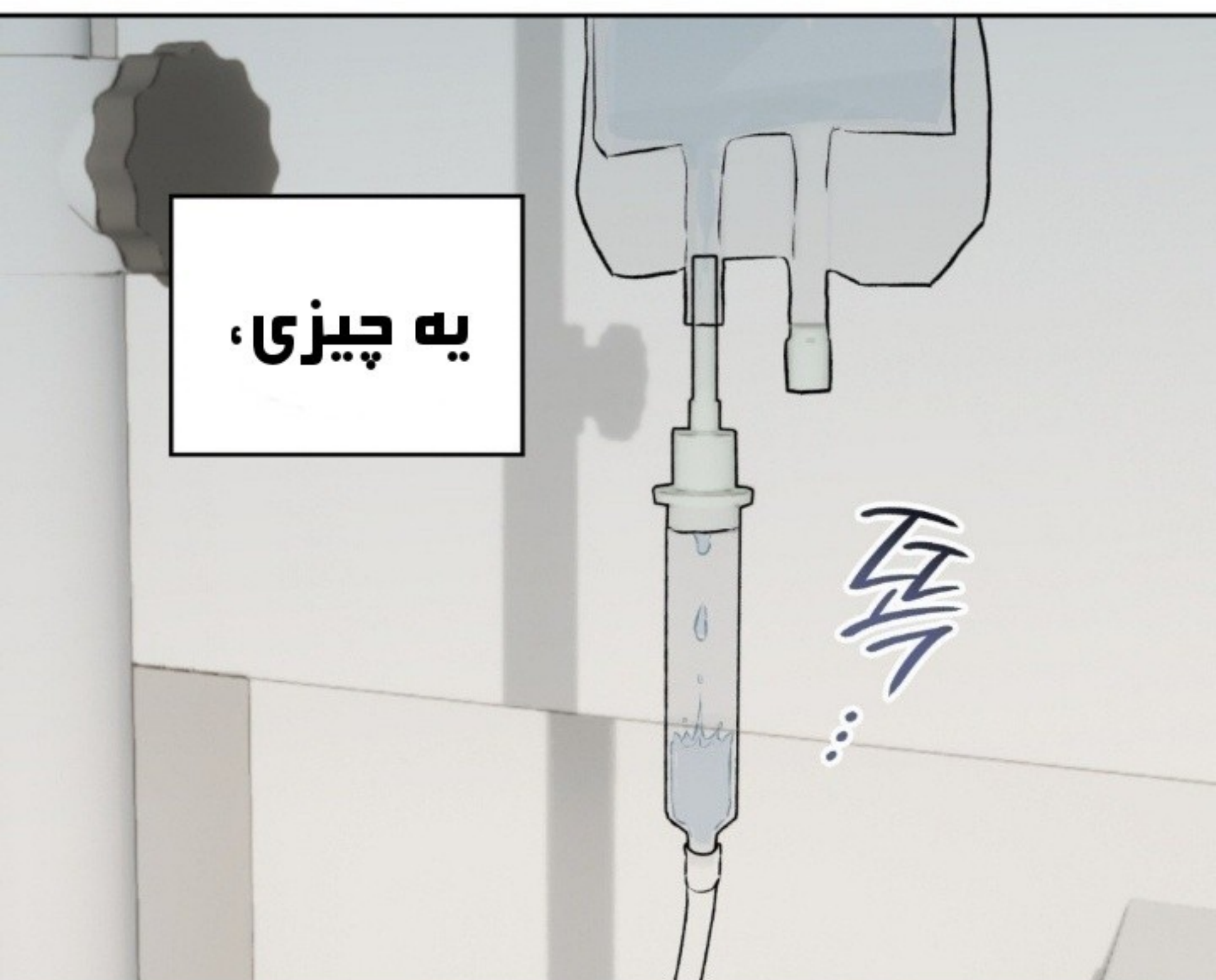


واقعا...

اوه



تو آمبری...؟

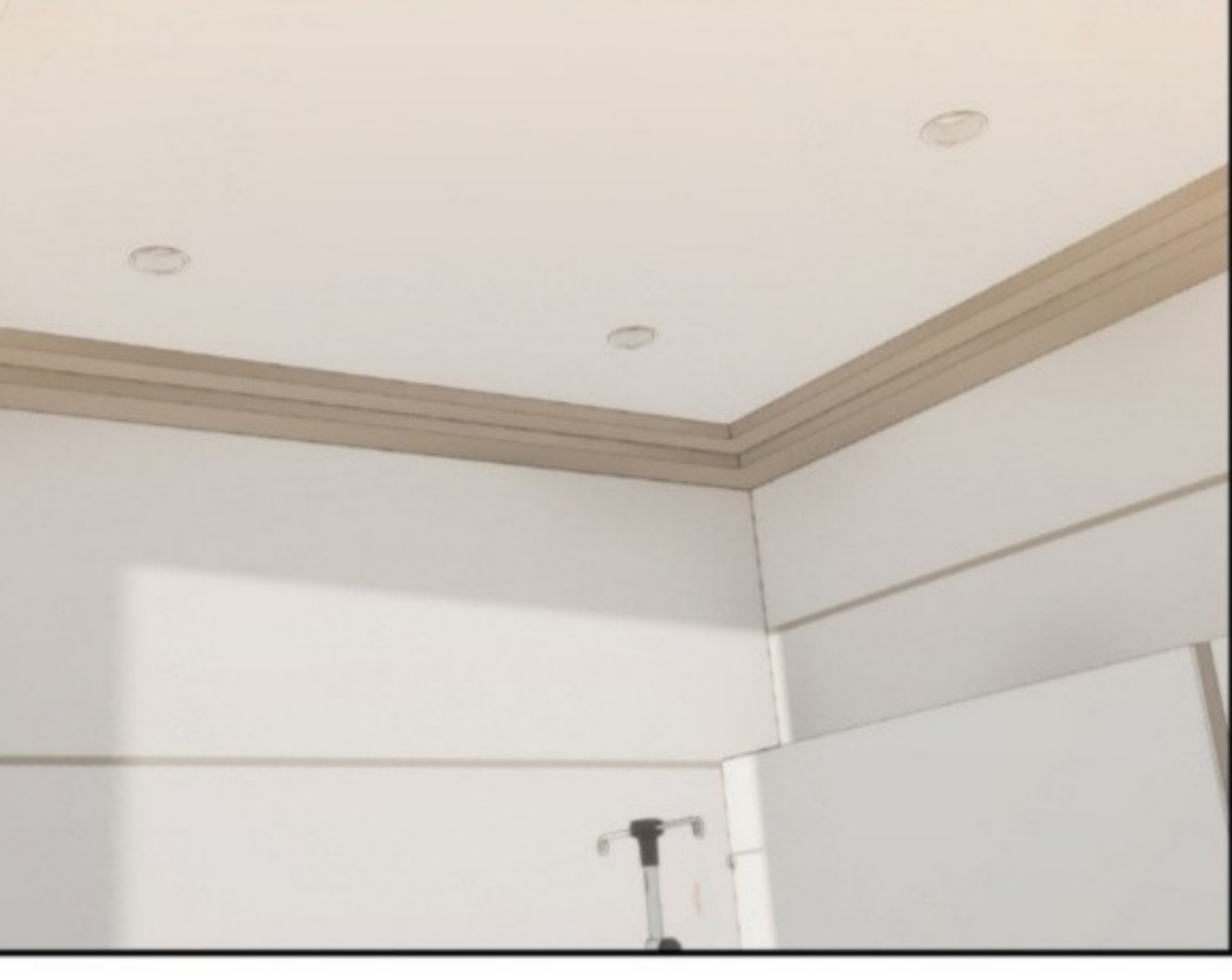


یه چیزی،

...

اشتباهه.

یه لحظه
می‌ردم دکتر رو
خبر کنم.



دکتر، تنسی
حالش خوبه؟



نتیجه‌ی
آزمایش‌های اولیه
خوبه.

وقتی حال جسمیش بهتر
شد باید چندتا آزمایش مغز و
اعصاب هم انجام بده...

پس یعنی...



داره وانمود
می کنه که فدا موشم
کرده؟



خب، بیمار
عزیز. به من نگاه
کن.



الان چه
حسی دارم؟



چند
لحظه، دکتر.

می شه چند
لحظه باهم خصوصی
صحبت کنیم؟



.....

وضعیتم
خیلی وخیمه؟



دچار
چهره‌کوری شدین.



...چی؟

ادامه دارد...

سلام

این فایلی که هم‌اکنون خوندید،
توسط تیم بزرگ تلگرامی

Aoi Sekai

ترجمه و ادیت شده و برای شما
و بقیه افرادی که به مانهوا
خوندن علاقه دارن آماده
شده.

تیم آئویی سکای فقط و
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی روبیکا، سرش،
ایتا، اینستا و بقیه پیام‌رسان‌های داخلی و
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،
بدون اجازه‌ی تیم ما گذاشته شده
و این کار دزدی محسوب میشود و به
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/AOISEKAI)